

جنگ های صلیبی توقف یا تداوم

نقدی بر کتاب
«جنگ های صلیبی» اثر رنه گروسه



- تاریخ جنگ های صلیبی
- تالیف: رنه گروسه
- ترجمه: ولی الله شادان
- ناشر: فرزانه روز، تهران، ۱۳۷۷

دکتر عبدالرسول خیراندیش
عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز



هرچند جنگ های صلیبی مانند هر جنگ دیگری که در تاریخ رخ داده دارای زمان و مکان و علل و نتایج خاص خود بوده است و نیز مانند هر واقعه تاریخی متعلق به گذشته محسوب می شود، اما علیرغم گذشت قرون متمادی، هر چند وقت یک بار، واقعه ای، تفسیری، تحقیقی و... موجب زنده شدن خاطره آن می شود؛ آنچنان که آن را از واقعه ای تاریخی به صورت اصطلاحی تاریخی نزدیک می سازد و بر این اساس کسانی سعی کرده اند بعضی از وقایع مربوط به مناسبات اروپا با آسیا را نوعی حرکت صلیبی تعبیر و تفسیر کنند.

چند ماه پیش رسانه ها خبر دادند که عده ای اروپایی به نواحی سوریه و لبنان سفر کرده (سال ۱۹۹۸) و با مردم آن نواحی تماس برقرار کرده اند. آنان هدف از سفر خود را عذرخواهی از بابت جنگ های صلیبی ذکر کردند. بر روی کلاه این عده نوشته شده بود «معتذر» که به هر حال نشانه احساس شرمساری نسلی است که نمی خواهد بار مسئولیت آنچه را که در تاریخ رخ داده است، به نوحش بکشد.

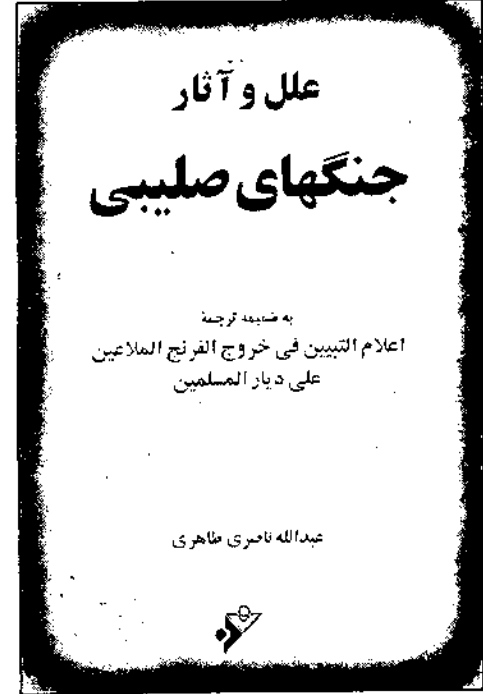
در ماه های اخیر که به مناسبت ایام کریسمس ۱۹۹۹، نزدیک شدن سال ۲۰۰۰ میلادی توجه همگان را به خود جلب کرده بود، گفته شد عده ای از مسیحیان ممالک مغرب زمین با اعتقاد به ظهور عیسی (ع) در سال ۲۰۰۰ م. راهی فلسطین شده اند تا در آن سال در آن سرزمین باشند. عقیده به میلناریسم (هزاره) یعنی ظهور عیسی (ع) در موعده هزاره، خود یکی از عوامل موثر در بینش جنگ های صلیبی بوده است. شروع جنگ های صلیبی در سال ۱۰۹۹ م. پس از یک دوره انتظار طولانی برای ظهور عیسی (ع) در فلسطین رخ داد. آن هنگام که عده ای از زائران مسیحی از اروپا به فلسطین عزیمت کردند مسائل و مشکلات سفر آنان در تکوین مقدمات بروز جنگ های صلیبی نقش موثری داشت.

آیا کانون بحرانی فلسطین و به طور کلی خاورمیانه بار دیگر در آستانه سال ۲۰۰۰ م. شاهد اتفاقاتی از نوع جنگ های صلیبی خواهد بود. کما اینکه عده ای وقایع پنجاه تا حدود یکصد سال اخیر و حتی به طور کلی آنچه را که مربوط به استعمار در ممالک آسیایی می باشد را نوعی حرکت صلیبی معنی کرده اند. اقدامات تبشیری، هجوم ناپلئون

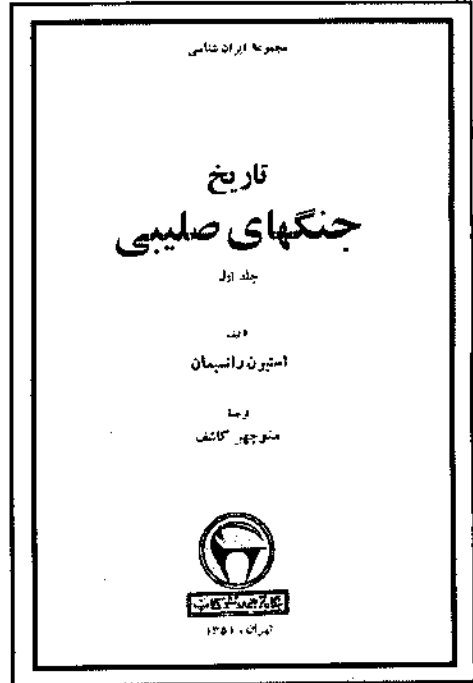
❖ عقیده به میلناریسم (هزاره)
یعنی ظهور عیسی (ع) در موعد هزاره، خودیکی از عوامل مؤثر در پیدایش جنگ‌های صلیبی بوده است.

❖ آیا کانون بحرانی فلسطین و به طور کلی خاورمیانه بار دیگر در آستانه سال ۲۰۰۰ م. شاهد اتفاقاتی از نوع جنگ‌های صلیبی خواهد بود؟

❖ البته از نظر اتصال و استمرار وقایع که اصلی از اصول تاریخ نگاری است، امکان تداوم جنگ‌های صلیبی در اقدامات استعمارگران ایبری را می‌توان دید.



به مصر و شام (۱۷۹۹ م.) استعمارگری فرانسوی ها و انگلیسی ها در خاورمیانه، جنگ‌های داخلی لبنان، مسائل مربوط به فلسطین و صهیونیسم... حتی مواردی قبل از همه اینها مانند اقدامات استعمارگران پرتغالی در دریای سرخ و خلیج فارس باتصریح فراوان ادامه جنگ‌های صلیبی قلمداد شده است. آلبوکرک، دریانورد پرتغالی که در اواخر قرن پانزدهم میلادی به خلیج فارس و دریای سرخ آمد کینه توزی خود علیه مسلمانان را پنهان نمی کرد. او اندیشه‌های اروپاییان درباره فلسطین و جنگ های صلیبی را که در اواخر قرن سیزدهم پایان یافته بود، بار دیگر زنده کرد. البته از نظر اتصال و استمرار وقایع که اصلی از اصول تاریخ نگاری است امکان تداوم جنگ های صلیبی در اقدامات استعمارگران ایبری را می توان دید. آن هنگام نهضت رنسانس یعنی جنگ های مسیحیان اسپانیا علیه مسلمانان آن سرزمین به نازگی پایان یافته بود (۱۴۹۲ م.). طی همان جنگ ها که اندلس یا اسپانیای مسلمان آخرین روزهای حیات خود را سپری می کرد بار دیگر اندیشه هجوم از دو سو (شرق و غرب) به جهان اسلام یا قسمتی از آن که خواه فلسطین باشد یا قلمرو بنی نصر در جنوب اسپانیا مطرح شد. از آنجا که این اندیشه مبتنی بر تصویریک پادشاهی مسیحی در مشرق زمین موسوم به ملک یوحنا یا پرستو جان (Prester Jhon) (شاه جان کشیش) بود، حال (حدود ۱۴۹۰ م.) که دو قرن از ختم جنگ‌های صلیبی می گذشت بار دیگر اروپاییان مانندعصر فتوحات مغول و اقتدار امپراتوری صحراگردان ترک و مغول به تکلیف در شرق روی آوردند.^۱ این امر موجب تهاجم پرتغالی ها و اسپانیایی ها به شمال افریقا در آغاز قرن شانزدهم و نیز تهاجم دریایی به اقیانوس هند، خلیج فارس و دریای سرخ شد که مطالعه عمومی درباره آنها معمولا در مباحث و مسائل مربوط به اکتشافات جغرافیایی یا شروع استعمارگری اروپایی مطرح می شود.^۲ به هر حال این دیدگاه وجود دارد که مناسبات خصمانه اروپا و به طور کلی جهان غرب علیه مسلمانان به نحوی ادامه جنگ صلیبی تعبیر شود. حتی در مواردی تصادم های میان آسیا و اروپا قبل از جنگ های صلیبی مانند جنگ های ایران و یونان در عصر هخامنشیان، مسائل مربوط به امپراتوری اسکندر، جنال های اشکانیان و سپس ساسانیان با رومیان و نیز تخصصات مسلمانان با بیزانس در قرون نخستین اسلامی از نوع جنگ های صلیبی تعبیر شود. لذا همواره، این نکته مطرح بوده که آیا جنگ های صلیبی خاتمه یافته یا در شکل های گوناگونی ادامه پیدا کرده است، و یا به طور کلی پدیده صلیبی نحوی از بروز و ظهور



وقایع تاریخ جهانی است که اساس آن را نگرش اروپاییان نسبت به لوانت (مدیترانه شرقی) تشکیل می دهد و عواملی مانندمسیحیت تنها برای برهه ای از تاریخ عناصر اصلی تشکیل و تکوین آن محسوب می گردند؛ یا دغدغهها و منافی که اروپاییان در مدیترانه شرقی برای خویش متصور ساخته یا می سازند اساس و بنیاد آن را تشکیل می دهد. در این موارد آمیزه ای از تاریخ نگاری حرفه ای و غیر حرفه ای از جنگ های صلیبی را موجب شده و آثار مکتوب متعددی را در خصوص این جنگ ها پدید آورده است. مجموعه چنین گرایش هایی خاص مسلمانان یا بهطور کلی مردم مشرق زمین نیست، بلکه اروپاییان نیز چنین تعبیرها و تفسیرهایی از جنگ های صلیبی کرده اند. لاقلاً برای تعدادی از اروپاییان جنگ صلیبی نماد اقدامات مذهبی با توسل به نیروی نظامی قلمداد شده و بدین لحاظ «جهادگری مسیحی» را عنوان «صلیبی» می دهند. صرفنظر از نام این جنگ ها که برگرفته از صلیب یعنی مشهورترین نماد تصویری مسیحیت و تداعی کننده خاطره عیسی (ع) نزد مسیحیان است، اروپاییان به نوعی از جنگ های صلیبی موسوم به «جنگ صلیبی داخلی» نیز اشاره دارند. شرح ماجرا آن که در هنگامه افول جنگ های صلیبی تعدادی از شوالیه ها در مناطقی از اروپا منجمله نواحی بالتیک جمع شدند و جنگ‌هایی را علیه مخالفان کلیسا یا به طور کلی مسیحیت به راه انداختند. به این جنگ ها عنوان جنگ‌های صلیبی داخلی داده اند. هرچند به جنگ های صلیبی مشهور که در سواحل شرقی مدیترانه رخ داده است، عنوان «جنگ‌های صلیبی خارجی» اطلاق نگردیده است.

همچنین در پایان جنگ های صلیبی عده ای از شوالیه ها به جزایر نواحی شرقی مدیترانه رفتند و تا مدت‌ها به جنگ با مسلمانان بخصوص ترکان ادامه دادند که از میان آنان شوالیه های سنت جان مشهور هستند. نیز شوالیه های مالت در مدیترانه مرکزی که بعدها دولت مالت را پایه گذاری کردند و جنگجویی آنان از ختم جنگ های صلیبی تا شروع اکتشافات جغرافیایی و استعمارگری اروپایی استمرار یافته و حلقه اتصال آنها به شمار آمده است.

آثاری که در مورد جنگ های صلیبی (از کلی تاجزی) منتشر شده اکنون آن اندازه شده است که حتی کتابشناسی و تاریخ نگاری مستقلی را می توان بنان اختصاص داد. همچنین به دلیل گستردگی دامنه جنگ های صلیبی بسیاری از حوزههای مطالعاتی تاریخ بدان مرتبط یا وابسته بنان است. مباحثی چون تاریخ مسیحیت، تاریخ رنسانس، تحولات قرون وسطی اعم از مسائل کلیسا یا فئودالیسم، تاریخ تجارت جهانی، تاریخ مدیترانه، تاریخ فلسطین، حتی مباحثی چون تاریخ امپراتوری مغول و تعدادی از دول مسلمان مانند فاطمیان، ایوبیان و مملوکان... با آن بیوند دارد که اگر بخواهیم موارد فرولان دیگر را برشماریم سخن به درازا خواهد کشید اما به هر حال در میان محققان و تاریخ نگاران مغرب زمین همواره یکی از عرصه های مهم تحقیقی، عصر جنگ های صلیبی بوده است و در میان آنان فرانسوی ها به دلیل نقشی که هم در جنگ های صلیبی داشته اند و هم توجهی که به مدیترانه شرقی در دو قرن اخیر دارند سهم عمده ای در مطالعات جنگ های صلیبی دارند. تلاش های ابل رموزات Abel Remusat در فراهم آوردن اسناد مناسبات سلاطین اروپایی با مغولان، تدوین مجموعه اسنادجنگ های صلیبی و اقداماتی از این قبیل به فرانسوی ها جایگاه خاصی در تحقیقات جنگ های صلیبی داده است^۳ اما متأسفانه در میان مسلمانان این تحقیقات به نحو شایسته و بایسته مورد توجه قرار نگرفته و نقصان عجیبی مشاهده می گردد تاریخ نگاران مسلمانان هرچند رویدادهای جنگ‌های صلیبی را در آثار خود ضبط و نقل کردند اما هیچگاه بدان ها نام خاصی که نشانگر قول به وحشی ماهوی میان آنها بوده باشد را ندادند. آنان معمولا از این جنگ‌ها با عنوان مبهم «هجوم فرنگ» یا «خروج فرهنگ» در آثار خود نام برده اند. ما عنوان جنگ های صلیبی را در دوران اخیر و از طریق

ترجمه اقتباس کرده ایم. آیا نحوه برخورد منابع تاریخ نگاری مسلمانان ناشی از پراکندگی شدید عالم اسلام در عصر جنگ های صلیبی بوده است، یا این که برخاسته از وضعیت پراکنده عناصر موثر در این جنگ ها؟ آنچنان که مسلمانان به هویتی واحد و صورتی هماهنگ صرف نظر از فرنگی بودن مهاجمان معتقد و متفق القول نمی شده اند حال آن که برای اروپاییان پدیده جنگ صلیبی موجبات تحولاتی اساسی و بروز اتفاقاتی همه گیر می شده است و از عوامل مهم این طرز تلقی رهبری واحد پاپ برای جهان کاتولیک بوده است.

به هر حال در آثاری چون **الکامل نوشته ابن اثیر، مفرج الکروب** نوشته ابن واصل، **المختصر فی اخبار البشر** نوشته ابوالفدا و تمه آن نوشته ابوالوردی، **التحویم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة** نوشته ابن تفری بردی **الاتابکی، سلوک الملوک** لمعرفه حول و **الملوک** نوشته مقریزی، **العقب** نوشته ابن خلدون و آثار فراوان دیگری که مورخان مسلمان از خود به یادگار گذاشته اند اخبار فراوان و مفصلی از جنگ های صلیبی وجود دارد که همگی آنها را بایستی با نقد و نظری تاریخ نگارانه ارزیابی کرد.

دانش ایرانیان از جنگ های صلیبی صرف نظر از منابع فوق که عموماً در دسترس اهل فن هستند وضع مطلوبی ندارد و در اساس دانشی مستقیم و متقن نیست. هر چند ایرانیان در روزگار متأخر سلاجقه و سپس از طریق سلسله ایرانی ایوبیان کرد با جنگ های صلیبی مرتبط بوده اند اما تاریخ ایران تاکنون در هیچ طرح تاریخ نگاری در پیوند با جنگ های صلیبی دیده نشده است، لذا در سالیان اخیر در مجموعه مباحث تاریخ جهانی یا جهان اسلام یا تلاش های اسلام شناسی به جنگ های صلیبی در قالب ترجمه توجه شده است، آثاری که در زیر می آید چگونگی انتشارات و ادبیات کنونی ما را از جنگ های صلیبی نشان می دهد:

۱. مفصل ترین کتاب درباره جنگ های صلیبی که به فارسی ترجمه شده تاریخ جنگ های صلیبی نوشته استیون رانسیمان است که در سه جلد بوسیله منوچهر کاشف ترجمه شده و تاکنون چند بار تجدید چاپ نیز شده است.^۴

۲. **کتاب علل و آثار جنگ های صلیبی** نوشته عبدالله ناصری طاهری که به دلیل آن که از معدود منابع تالیفی ایرانیان به شمار می آید و نیز در مباحث اولیه خود کتابشناسی تحلیلی قابل توجهی دارد و علاوه بر آن ترجمه رساله «الاعلام و التبیین فی خروج الفرنج الملاعین علی دیار المسلمین» را دربردارد شایان توجه است.^۵

۳. **کتاب جنگ های صلیبی** نوشته هانس ایرهاردمایر ترجمه دکتر عبدالحسین شاهکار. در این اثر نویسنده به جنگ های صلیبی از نظر مسئله ای میترانه نگریسته است و از این نظر برای خواننده ایرانی قابل توجه می باشد.^۶

۴. هر چند تمامی تاریخ های عمومی فصلی در باب جنگ های صلیبی دارند اما تاریخ تمدن ویل دورانت در حجم قابل توجهی به آنها پرداخته است. این نویسنده آمریکایی مانند هم وطن خود هانس ایرهاردمایر، به جنگ صلیبی به عنوان جزئی از کلیت تاریخ سیاسی و اقتصادی جهان نگریسته و هرچند می نویسد: «جنگ های صلیبی اوج حوادث قرون وسطی و شاید جالبترین واقعه ای بود که در تاریخ اروپا و خاور نزدیک روی می داد»^۷ اما خیلی زود وقایع نگاری جنگ ها را به تبدلات و تحولات تمدنی برمی گرداند.

۵. **کتاب صلاح الدین ایوبی** نوشته آلبرساندور که توسط مترجم معروف مرحوم محمد قاضی به فارسی برگردانده شده است. این کتاب هر چند به آن بخش از جنگ های صلیبی که به صلاح الدین ایوبی قهرمان معروف جهان اسلام مربوط است، می پردازد اما سبک داستان گونه آن از رویکردی عام به مسئله نیز خالی نیست. وجود فهرستی از منابع و مآخذ اروپاییان و مسلمانان در مورد جنگ های صلیبی که در پایان آمده بدان سودمندی خاصی بخشیده

است.^۸

۶. **کتاب جنگ های صلیبی (از دیدگاه شرقیان)** نوشته امین معلوف نویسنده لبنانی ساکن فرانسه که توسط مترجم پرکار آقای عبدالرضا هوشنگ مهدوی به فارسی برگردانده شده است. عنوان کتاب در اصل «جنگ های صلیبی از دیدگاه اعراب» است (**Les Croisades Vues Par Les Arabes**) که جا داشت مترجم محترم کتاب با دید انتقادی هم به عنوان و هم به محتوای کتاب می نگریست نظر به آنکه مقدمه کوتاه کتاب گویای نکات مفیدی درباره چگونگی تالیف آن است عیناً در این جا نقل می شود:

نگاه این کتاب از یک فکر ساده آغاز شد: توصیف جنگ های صلیبی آن طور که در اردوی مقابل مشاهده و تجربه و روایت شده است؛ یعنی از سوی شرقیان. بنابراین محتوای آن منحصر بر اساس شهادت مورخان و وقایع نگران شرقی در زمان وقوع این روی تلها است. وقایع نگاران مزبور از جنگ های صلیبی گفت و گو نمی کنند بلکه از تهاجمات و جنگ هایی با فرانک ها نام می برند. واژه ای که فرانک ها را مشخص می کند طبق سلیقه هر منطقه و هر نویسنده و هر دورانی به اثناء مختلف نوشته شده است: فرنگیان، فرنگان، افرنجی، افرنجات. برای یکسان کردن این واژه ها صورتی را برگزیدیم که امروزه نیز هنوز برای نامیدن غربیان به ویژه فرانسویان در زبان عامه مردم بکار می رود: فرنگیان.

برای آن که گزارش خود را با پانویس های متعددی که ضروری است سنگین نسازیم، کتابشناسی و سوابق تاریخی و غیره ترجیح دادیم آنها را در مورد هر فصلی جمع بندی کنیم و در آخر کتاب بیاوریم کسانی که مایلند معلومات بیشتری در این زمینه کسب کنند این مآخذ را سودمند خواهند یافت، اما برای فهم کتاب که برای استفاده

* به هر حال این دیدگاه وجود دارد که مناسبات خصمانه اروپا و به طور کلی جهان غرب علیه مسلمانان به نحوی ادامه جنگ صلیبی تعبیر شود. حتی در مواردی تصادم های میان آسیا و اروپا قبل از جنگ های صلیبی... از نوع جنگ های صلیبی تعبیر شود.

* ما عنوان «جنگ های صلیبی» را در دوران اخیر و از طریق ترجمه اقتباس کرده ایم.



تاریخ جنگ‌های صلیبی

رنه گروسه (عضو آکادمی فرانسه)
ترجمه دکتر ولی‌الله شادان



تهران ۱۳۷۷

* گروسه با مطالعه درباره امپراتوری مغول و ترک، کشش آنان به سوی مدیترانه شرقی را خطری برای اروپای دانند. زمانی این خطر سلجوقیان، زمانی مغولان و تیموریان و زمانی عثمانی‌ها مظهر این خطر بوده‌اند.

* دز حقیقت اثر گروسه شرح فرانسوی جنگ‌های صلیبی است.

عموم نگاشته شده به هیچ وجه ضروری نیست. در واقع ما خواسته ایم به جای نوشتن یک کتاب جدید تاریخی از نقطه نظری که تاکنون نادیده گرفته شده بود، «داستان واقعی» جنگ‌های صلیبی و دو قرن پرجوش و خروش رابنوسیم که غرب و جهان شرق را شکل بخشید و امروزه نیز هنوز مناسبات آنها را مشخص می‌سازد»^۹.

اما علیرغم عنوان کتاب که بسیار جالب توجه است محتوای کتاب فاقد نقادی‌های حرفه‌ای (تاریخ نگاری) است و نتوانسته سمت و سوی اقدامات شرقیان (اعراب) را که فقط شامل اعراب نبوده و ترکان و کردها نیز در آن جنگ‌ها نقش اساسی داشته‌اند را به درستی تبیین و تحلیل نماید.

۷. کتاب جنگ‌های صلیبی اثر آنتونی وست که اثری داستان گونه به شمار می‌آید و در مجموعه «گردونه تاریخ» که خاص جوانان نشر می‌یافت منتشر شده است. سبک داستانی و حجم اندک آن، این اثر را برای نوجوانان و جوانان مفید نشان می‌دهد.^{۱۰}

۸. کتاب جنگ‌های صلیبی اثر محمدرشاد که نکته خاصی ندارد.^{۱۱}

۹. کتاب جنگ‌های صلیبی اثر استیون رانسیمان ترجمه زهرا مهشاد محیط طباطبایی که توسط حسینیه ارشاد منتشر شده است.^{۱۲}

۱۰. و شاید آثار دیگری نیز به زبان فارسی منتشر شده باشد که راقم این سطور بدان اطلاعی نیافته است.

اخیرا انتشار ترجمه کتاب تاریخ جنگ‌های صلیبی نوشته رنه گروسه که با همت دکتر ولی‌الله شادان صورت گرفته، بر تنوع دیدگاه‌های مربوط به جنگ‌های صلیبی در ایران افزوده است. ۱۳ خوانندگان فارسی زبان پیش از این گروسه را از طریق آثاری چون امپراتوری صحراگردان^{۱۴} و چهره آسیا^{۱۵} می‌شناسند. از آثار مهم دیگر او چون تاریخ گرجستان هنوز به فارسی برگردانده نشده است. رنه گروسه (۱۹۵۲ - ۱۸۸۵) از مشاهیر مورخان فرانسوی در قرن بیستم به شمار می‌آید او که عضو آکادمی علوم فرانسه نیز بود کتاب جنگ‌های صلیبی را در سال ۱۹۳۹ م - در پاریس به چاپ اول سپرد. حوزه اصلی مطالعات

و تالیفات گروسه آسیا و بخصوص سواحل شرقی مدیترانه است. او همواره به نوعی بنویت آسیایی که در تقابل با اروپا به سر می‌برد باور داشته است. قبل از او فرانسوی‌ها «تیهامیم» نیز در کتاب آسیا در کشمکش با اروپا چنین دیدگاهی عرضه کرده بود.^{۱۶} گروسه با مطالعه درباره امپراتوری مغول و ترک، کشش آنان به سوی مدیترانه شرقی را خطری برای اروپا می‌داند. زمانی این خطر سلجوقیان، زمانی مغولان و تیموریان و زمانی عثمانی‌ها مظهر این خطر بوده‌اند. آیا در آستانه سال ۱۹۳۹ م - یعنی شروع جنگ جهانی اول که گروسه کتاب خود را می‌نوشت خطری که از سمت شرق (آلمان) فرانسه را تهدید می‌کرد در تکوین چنین دیدگاهی برایش نقش نداشته است یا تلاش‌های نافرجام فرانسویان برای حفظ سوریه و لبنان در ساحل شرقی فرانسه در ربع دوم قرن بیستم؟ در آن زمان فرانسویان در پی جنگ جهانی اول و معاهده سایکس پیکو (۱۹۱۶ م) سوریه و لبنان را تصاحب کرده بودند اما هیچگاه به استقرار توأم با آرامش و اقتدار در آن مناطق توفیق نیافتند. این ناکامی فرانسویان با خاطره قرن نوزدهمی کابوس عثمانی در جنوب شرقی اروپا سایه سنگین خود را بر اثر گروسه نشان می‌دهد. هر چند این ترجمه براساس خلاصه‌ای از کتاب تاریخ جنگ‌های صلیبی است و بدین جهت نمی‌توان قضاوتی قاطع داشت اما تصریح و تاکید نویسنده در فصل نخستین کتاب با عنوان «بنا بر مدافع اروپا» احساس خطر برای اروپا را نشان می‌دهد و می‌رساند که در تفسیر مقدمات جنگ‌های صلیبی گروسه فارغ از دغدغه‌های روزگار حیات خویش نبوده است. نخستین صفحات کتاب او چنین دیدگاهی را به خوبی بازگویی کنند:

«شکست ملازگرد که در کتابهای تاریخ بسیار کم از آن یاد شده است از بزرگترین فاجعه‌های تاریخ اروپاست. نتیجه این نبرد که در قلب ارمنستان روی داد این بود که تا ده سال بعد سه چهارم آسیای صغیر به دست ترک‌ها افتاد. این راست است که قفقاز «میهن پرستی مسیحی» در سرداران بیزانسی که برای به دست آوردن تاج و تخت با هم در مبارزه بودند باعث پیشرفت ترک‌ها شد. یکی از همان مدعیان تاج و تخت مرتکب جنایتی خیره‌کننده بر علیه اروپا شد. او در سال ۱۰۷۸ ترک‌ها را متحد خود



خواند و با همین نام آنها را در شهر «نیسه» نزدیک دریای مرمره روبروی قسطنطنیه مستقر ساخت. اما سه سال بعد یکی از فرزندان کبوتر خاندان سلجوقی، رومیان را از آنجا بیرون راند و نیسه را پایتخت دولت ترک آسیای صغیر خواند که نطفه ترکیه تاریخی بود. در همان زمان درسوریه فرماندهان دیگر سپاه ترک در سال ۱۰۷۱ اورشلیم را از دست عرب‌های مصر و در سال ۱۰۸۵ انطاکیه را از سپاه بیزانس گرفتند. در دوران سلطنت ملکشاه، سومین سلطان سلجوقی (۱۰۷۲ - ۱۰۹۲ م.)، امپراتوری ترکان از بخارا در آسیای مرکزی تا انطاکیه گسترده شد. ملکشاه که نوه همان بیابانگردان آسیای مرکزی بود، در سال ۱۰۸۷ به ساحل دریای مدیترانه رسید و با زستی نمادین شمشیر خود را در آبهای بحر الروم فرو برد.

این وقایع که آخرین آنها در زمان پاپ اوربن دوم روی داد (۱۰۸۸ - ۱۰۹۹ م.)، در اروپا هیجان بزرگی ایجاد کرد. در هم فرو ریختن امپراتوری بیزانس پس از شکست ملازگرد و عدم واکنش در برابر اشغال آسیای صغیر توسط ترک‌های مسلمان، غرب را برانگیخت که در برابر چنین خطری که نتیجه ضعف و سستی بود برای نجات اروپا که مستقیماً در خطر بود دخالت کند. تاریخ‌نویسان قدیم فرانسه اشتباه نکرده بودند؛ گیوم صوری، وقایع نگار، در فاجعه ملازگرد اخراج همیشگی یونانی‌ها را که عامل عمده مسیحیت بودند مشاهده کرد و ورود فرانک‌ها را به صحنه برای جانشینی این همکاران که از دور خارج شده بود توجه تاریخی کرد. پس زمان اخطار فرارسیده بود. ترک‌ها که در شهر نیسه مستقر شده بودند هر لحظه می‌توانستند قسطنطنیه را غافلگیر کنند و، به این ترتیب، فاجعه سال ۱۴۵۳ در سال‌های آخر سده یازدهم تکرار شود. همان‌گونه که اوربن دوم اعلام می‌کرد، چهارده سال پس از تصرف نیسه، این وضعیت مهمترین دلیل برای موعظه و دعوت مردم به نخستین جنگ صلیبی بود و حتی دیگر نیازی به درخواست الکسی گومنه‌ن امپراتور بیزانس هم نبود. احساسی که اوربن در مورد وظایف خود در مقام رهبری و دفاع از مسیحیت داشت برای روشن کردن سیاست او کافی است. وی

* گروسه... به نحوی اقرار می‌نماید که مسئله جنگ صلیبی موضوعی مربوط به داخل اروپا بوده است. زیرا مشکلات اجتماعی و اقتصادی اروپای دوران حاکمیت فنودالیسم جمعیت آن قاره را از نظر کمی و کیفی در وضعیتی قرار داده بود که مهاجرتی به خارج از قاره را طلب می‌کرد. این مهاجرت همان واقعه‌ای است که به جنگ صلیبی موسوم شده است.

سالشمار جنگ‌های صلیبی

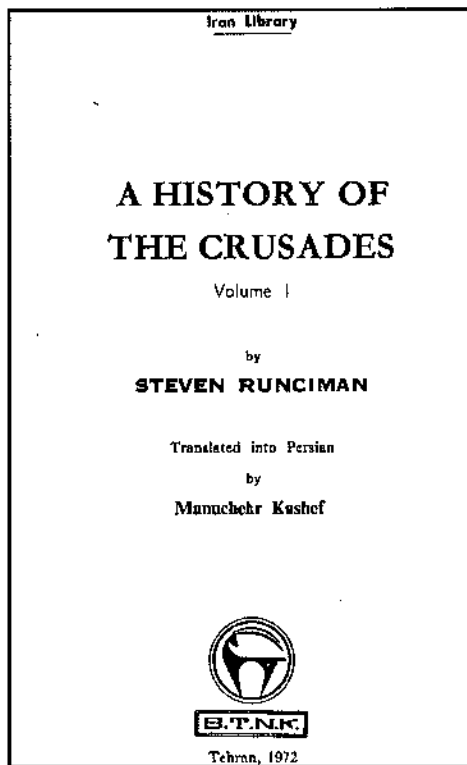
۱۲۰۴/۵۶۰۰ م جنگ چهارم صلیبی و تصرف و تاراج قسطنطنیه به دست صلیبیون
 ۱۲۱۲/۵۶۰۹ م جنگ صلیبی کودکان
 ۱۲۱۸/۵۶۱۵ م حمله صلیبیون به دمیاط در شمال مصر
 ۱۲۲۹/۵۶۲۷ م ملک الکامل ایوبی طی معاهده‌ای بیت المقدس را به صلیبیون سپرد
 ۱۲۴۸/۵۶۴۸ م حمله لویی نهم پادشاه فرانسه به شمال مصر و شکست و اسارت او
 ۱۲۵۶/۵۶۵۶ م مغولان بغداد را تصرف کردند و به خلافت عباسیان پایان می‌دهند
 ۱۲۵۸/۵۶۵۸ م شکست مغولان در عین‌الخوارزم
 پیرس فرمانده سپاه مملوکان مصر
 ۱۲۶۸/۵۶۶۶ م تصرف انطاکیه توسط پیرس
 فرمانروای مملوکان
 ۱۲۷۰/۵۶۶۸ م حمله لویی نهم به پیرس و شکست او
 ۱۲۸۹/۵۶۸۸ م سیف الدین قلاوون سلطان مملوکی مصر طرابلس را تصرف می‌کند
 ۱۲۹۱/۵۶۸۹ م سلطان خلجان پیرس قلاوون را شکست داد
 آخرین پایگاه صلیبیون را تصرف می‌کنند و جنگ‌های صلیبی خاتمه می‌یابد.

۱۰۵۵/۴۴۷ م شقاق کبیر. جدایی دو کلیسای شرقی (ارتدوکس) و غرب (کاتولیک) از یکدیگر
 ۱۰۷۱/۴۶۳ م جنگ ملازگرد که طی آن الب ارسلان سلجوقی شکست بسیار سختی بر بیزانس وارد ساخت
 ۱۰۹۶/۴۸۹ م تشکیل شورای کلمونت در فرانسه به دستور پاپ
 ۱۰۹۷/۴۹۰ م صدور فرمان جنگ صلیبی بوسیله پاپ اوربان دوم و عزیمت صلیبی‌ها
 ۱۰۹۹/۴۹۲ م تصرف بیت المقدس و گشتار سکنه آن در جنگ اول صلیبی
 ۱۱۰۰/۴۹۳ م تشکیل پادشاهی بیت المقدس بوسیله صلیبیون و شروع منازعات داخلی میان آنان
 ۱۱۴۴/۵۵۲۸ م تصرف ادسا بوسیله عمادالدین زنگی از فرمانروایان آل زنگی
 ۱۱۴۷/۵۵۴۱ م شروع جنگ‌های صلیبی، با شرکت دو پادشاه اروپایی
 ۱۱۶۳/۵۵۵۸ م پادشاهی صلاح الدین ایوبی و تشکیل دولت ایوبیان بجای فاطمیان
 ۱۱۸۹/۵۵۸۵ م شروع سومین جنگ صلیبی با شرکت سه پادشاه اروپایی



* گروسه همواره به نوعی بدویت آسیایی که در تقابل با اروپا به سر می برد، باور داشته است.

* گروسه هر چند تصویری گویا از جنگ‌های صلیبی را ارائه می دهد، اما به نحوی آشکار از منظر دید یک اروپایی و آنهم سرتاسر فرانسوی به مسئله نگریسته است و نه تنها مسلمانان را کمرنگ می کند - و کسانی چون صلاح‌الدین ایوبی را بسیار گذرا در صحنه نگه می دارد و این قدرت تبیین او را بسیار ضعیف می سازد - بلکه حتی سهم دیگر اروپائیان را نیز ناچیز می بیند.



جنبشی برای هدفی مقدس باقی می ماند. ۱۸
در فصل سوم که عنوان «نخستین جنگ صلیبی» را دارد، هاله تقدس برای جنگ صلیبی محو می گردد. زیرا اقدامات و اعمال جنگجویان آنچنان که گروسه گزارش کرده است بیشتر آشوب طلبی و اعمال ماجراجویی را نشان می داد. از آنجا که گروسه در ابتدا از خطر هجوم به اروپا سخن گفته بود و بالطبع این تهاجم، توافقی را طلب می کرد. تا جایی که حرکت صلیبی دفاع از اروپا محسوب می شد. با آن همدلی نشان می دهد؛ اما اکنون که صلیبیون مبدل به گروهی مهاجم و حتی متجاوز شده بودند دیگر کوششی برای دفاع از آنان بخرج نمی دهد. ۱۹ و حتی با صراحت کباب کردن اسرای ترک مسلمان به دست صلیبیون را در هنگام محاصره انطاکیه و حشیانه می خواند. ۲۰ یا آنجا که غلبه دنیاگرایی در میان صلیبیون پس از پیروزی در انطاکیه را شرح می دهد می نویسد:

«... زائران نیز سر به شورش برداشته اظهار کردند، آیا ما به درخواست پاپ صلیب به دست گرفتیم تا تیولهای تازه برای اشراف فراهم آوریم یا اینکه مزار حضرت مسیح را آزاد کنیم؟» ۲۱
گروسه در نگاه انتقادآمیز خود به رفتار جنگجویان جنگ اول صلیبی در شرح چگونگی تصرف بیت المقدس از خود کوتاهی نشان نمی دهد. او در مذمت کشتار مسلمانان و اظهار نفرت از شدت کشتار بمنقل از اسقف بزرگ گیوم حوری می نویسد:
«در شهر منظره کشتار دشمنان چنان هراس انگیز و خون‌های ریخته شده چنان زیاده بود که حتی خود فاتحان دچار وحشت و نفرت می شدند.» ۲۲

اما این فصل از جنگ‌های صلیبی را زودگذر دانستیم در ادامه مباحث خویش به رفتار و خصال فاتحان می پردازد. بر این اساس در فصل چهارم کتاب که «بنیانگذاری پادشاهی اورشلیم» نام دارد او بیشتر به ذکر خصوصیات فردی قهرمانان صلیبی چون بودوئن دو بولونی، ریمون دوسن ژیل، گودفروادو بویون، بوهمون، تانکرده... می پردازد و اقدامات سیاسی و نظامی آنها را برمی شمارد. او در اینجا با مهارت فوق العاده‌ای شرایط حاکم بر یک جامعه فئودال را که در اصل و اساس چیزی جز رقابت دائمی بر سر قدرت و زمین نیست برمی شمارد. از آنجا که تقریباً تمامی قهرمانان او در این قسمت فرانسوی (فرنگی) هستند او چنان تصویر دقیقی از مناسبات فئودالی صلیبیون در شرق مدیترانه اشغال شده را ارائه می کند که گویی تاریخ فرانسه در قرون وسطی را می نویسد. ۲۳ او حتی کم کم به همزیستی مسالمت آمیز اما از نوع فئودالی اشراف عرب با فاتحان صلیبی اشاره می کند که طی آن اخلاق جوانمردانه مبنای مناسبات طرفین شده و هر اصل و مبنای دیگری را تحت الشعاع قرار می دهد. ۲۴

در فصل پنجم نیز اساس تاریخ نگاری گروسه را قهرمانان فئودال مسیحی اروپایی تشکیل می دهد که جامعه فئودالی خاص مدیترانه شرقی را تشکیل می دهند. جامعه‌ای که کم کم عناصر اشرافی عرب یا مسیحی شرق مدیترانه نیز در آن سهیم هستند. هر چند او این تحول را با عنوان «استحکام پیروزی» (فصل پنجم) بیان می کند اما در فصل بعد (ششم) عنوان بحث خود را «تعادل میان فرنگی‌ها و مسلمانان» می گذارد. این در حالی است که او به مباحث مربوط به جنگ اول صلیبی خاتمه داده و دوره تومین جنگ صلیبی فرامی رسد. هر چند او این دوره را با ظهور اتابک زنگی آغاز می کند اما دیگر سبک کار او تأکید بر خصال قهرمانی و برشمردن ویژگی‌های فردی نیست و بدین ترتیب دوگانگی نگرش خود در مورد قهرمانان شرقی و غربی را نشان می دهد. ۲۵

اینکه بیژانس خیلی زود خود را از جنگ‌های صلیبی کنار کشید و حتی در موضع احساس خطر از آن قرار گرفت نشان می داد که برای بیژانس خطر فرنگیان کمتر از ترکان نیست. چنان که در جنگ چهارم صلیبی (۱۲۰۴ م.) سرانجام ضربه هولناک سقوط قسطنطنیه به دست صلیبیون را متحمل شد و در آخرین قرون عمر خویش شاهد رقابت‌های زیان بار تجاری و ونیزی و جنوایی گردید که در پی جنگ‌های صلیبی به وجود آمده بودند.

در بیان مقدمات جنگ‌های صلیبی، گروسه سپس به جنگ صلیبی به عنوان مسئله‌ای مدیترانه‌ای می پردازد و از سوابق جنگ‌های دریایی مسلمانان و مسیحیان در مدیترانه قبل از جنگ‌های صلیبی سخن می گوید. این در حالی است که سوابق مربوط به جنگ‌های طولانی نهضت رنکوئستی اسپانیا در پیدایش شرایط ذهنی و عینی جنگ‌های صلیبی بسیار حائز اهمیت بوده است. همانگونه که او خود به پیشقدمی ساکنان جنوب فرانسه که مجاور اسپانیا بودند در جنگ‌های صلیبی اشاره می کند. ۱۷

گروسه در فصل دوم اثر خود تحت عنوان «جنبش توده مردم» هر چند دیدی انتقادی نسبت به اقدامات صلیبیون که دست به غارتگری در اروپا زده بودند دارد به نحوی اقرار می نماید که مسئله جنگ صلیبی موضوعی مربوط به داخل اروپا بوده است. زیرا مشکلات اجتماعی و اقتصادی اروپای دوران حاکمیت فئودالیسم جمعیت آن قاره را از نظر کمی و کیفی در وضعیتی قرار داده بود که مهاجرتی به خارج از قاره را طلب می کرد. این مهاجرت همان واقعه‌ای است که به جنگ صلیبی موسوم شده است. هر چند گروسه رفتار ناشایست صلیبیون در مسیر حرکت از فرانسه تا بیژانس را بر می شمارد اما اشاره‌ای به مشکلات جامعه اروپایی از نظر فقر، جمعیت، زمین، فئودالیسم، جنگ‌های شوالیه‌ها و... نمی کند؛ لذا تأثیر افسانه‌های مربوط به ثروت مشرق زمین در تحریک صلیبی را فرو می گذارد و بدین ترتیب جنگ صلیبی همچنان

در مقام پاپ این سیاست بلند نظرانه را که هدف نهایی آن تصرف اورشلیم و دهانه‌های بسفر و دارنازل بود با صنادی رسا در شهر کلرمون فرانس اعلام کرد؛ اورشلیم همان جایی بود که در زمان نبرد میان خلیفه مصر و سلجوقیان، بسیاری از مسیحیان در آن کشته شده بودند و دهانه‌های دریای سیاه، که در آن زمان بازوی سن رز و نامیده می شد می توانست هر لحظه به دست نیروهای ترک افتد. در ۲۷ نوامبر ۱۰۹۵، که دهمین روز آنچنان اسقفها در کلرمون فرانس بود، اوربن دوم همه مسیحیان را به سلاح شدن و دفاع کردن از ایمان مسیحیت که با هجوم مسلمانان به خطر افتاده بود دعوت کرد. این، در حکم دعوت آخرین وارث امپراتورهای روم برای دفاع از باختر بود. پاپ کمزورترین مقام اروپایی به شمار می رفت مردم را برای حفظ و بقای اروپا در برابر فاتحان آسیایی، که جانشین آتیلا و پیشقدمان سلطان محمد دوم عثمانی شده بودند، فرا خواند. از هر سو با بانگ «این خواست خداست» دعوت پاپ را پاسخ دادند اوربن دوم که با این شعار همه را متحد کرده بود از سربازان آینده مسیح درخواست کرد که علامت صلیب را بر جامه خود نقش نمایند.

«جنگ صلیبی آغاز شد و شاهزادگان و مردم به سوی خاور به راه افتادند. اندیشه جنگ صلیبی آنچنان اسقفها در کلرمون را تنها می توان با اندیشه پاپ هلیسپس کنگره کورنت در سال ۱۱۳۶ قبل از میلاد مقایسه کرد که اسکندر مقدونی همه یونان را برای پیروزی در آسیا گسیل داشت.»

گروسه بدین ترتیب سخن خود را از جنگ ملازگرد در سال ۱۰۷۱ م. که طی آن الب ارسلان سلجوقی شکست سختی بر بیژانس وارد ساخت آغاز می کند و با عمده نمودن خطر ترکان مسلمان بر این واقعیت چشمی پوشد که در سال ۱۰۵۵ م. در پی سال‌ها اختلاف میان کلیساهای روم و بیژانس سرانجام این دو کلیسا از هم جدا شدند و دو آیین کاتولیک و ارتدکس بوجود آمدند. از آن پس پاپ‌ها تلاش بی‌وقفه‌ای برای تسلط بر کلیساهای شرق آغاز کردند که جنگ‌های صلیبی قسمتی از این کوشش‌ها را شامل می شد.

زیرا همچنان محور تاریخنگاری اوقهرمانان شوالیه است که در فصل سیزدهم (هائری دوشامپانی... و هفدهم (جنگ صلیبی یک قدیس. که منظور سن لویی است) به اوج خود می‌رسد. ۲۶

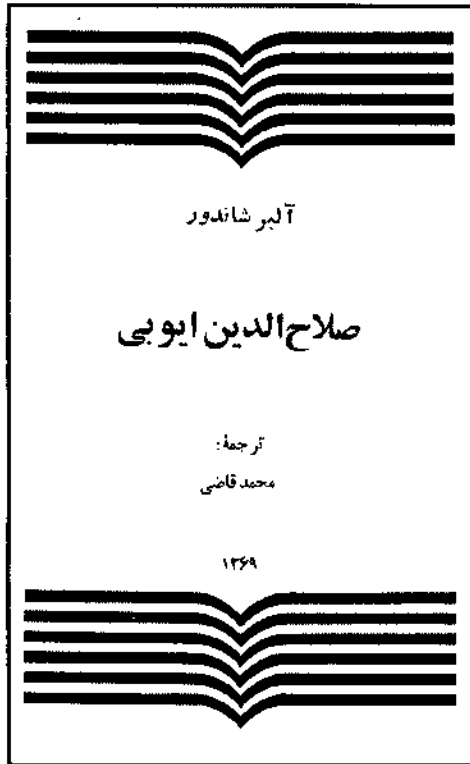
این امر باعث می‌شود که تا حدودی اثر گروسه سبک داستانی به خود بگیرد و نیز تحولی را که در پی کنار کشیدن بیزانس از جنگ‌های صلیبی و خصوصیت دریایی گرفتن این جنگ‌ها در این دهه رخ داده است از دید خواننده دور نگهدارد. تحولی که از جنگ دوم صلیبی به طور کامل تحقق یافته و همزمان با شکست صلیبیون در اوسا و در مقابل آل زنگی بوده است.

فصول بعدی کتاب یعنی فصل هفتم تا پایان هر چند توالی زمانی رویدادها را در بر دارد و حرفه‌ای بودن نویسنده کتاب را می‌رساند اما مدار و محور آن همچنان قهرمانانی است که هریک پس از دیگری در صحنه ظاهر می‌شوند و نقش آفرینی می‌کنند. چنانکه گفته شد این روش به کتاب سبکی داستان گونه می‌دهد اما در همان حال ملال ناشی از تکرار اعمال مشابهی کنش‌های پیروزی و شکست‌های متوالی است را در پرتوسبک داستان‌سرایانه مانع می‌شود. او هر چند تصویری گویا از جنگ‌های صلیبی را با این روش ارائه می‌دهد اما به نحوی آشکار از نظر دید یک اروپایی، و آنهم سرتاسر فرانسوی به مسئله نگریسته است و نه تنها مسلمانان را کم‌رنگ می‌کند. و کسانی چون صلاح‌الدین ایوبی را بسیار گذرا در صحنه نگه می‌دارد و این قدرت تبیین او را بسیار ضعیف می‌سازد. بلکه حتی سهم دیگر اروپاییان را نیز ناچیز می‌بیند.

در حقیقت اثر گروسه شرح فرانسوی جنگ‌های صلیبی است. از دید او آنچه که در جنگ صلیبی بدست آمد حاصل اراده افرادی قوی و مصمم از اروپا بود و آنچه که شکست صلیبی بود نیز حاصل اشتباهات شخصی همین قهرمانان بود و لا غیر. در پرتو این نگرش او نه تنها شرایط بیرونی را کم‌رنگ جلوه می‌دهد بلکه قدر است کردن قهرمانان جهان اسلام را نیز چندان به دیده اعتنا نمی‌نگرد و قهرمانانی چون نورالدین زنگی، صلاح‌الدین ایوبی، بیبرس و سیف‌الدین قلاوون، بیبرس و قلاوون که از فرمانروایان مملوک بودند تا آخرین ضربات را بر پیکر صلیبیون وارد ساختند و سیف‌الدین سرانجام در سال ۶۹۰ هـ. ۱۲۹۱/۱۰ با تصرف طرابلس و خلیل اشرف با فتح عکا آخرین پایگاه صلیبیون را از دست‌شان خارج ساخت و به جنگ‌های صلیبی معروف پایان داد. ۲۷

سخن آخر آنکه گروسه با توانایی و تسلط خاص خود در میان آنچه که می‌خواهد بگوید به خوبی هنر تاریخ‌نگاری خود را نشان داده و مشکل اساسی او در این اثر آن است که نمی‌خواهد همه چیز را بگوید. آیا این وضعیت ناشی از تلخیص متن اصلی کتاب است که ترجمه فارسی نیز براساس همین تلخیص صورت گرفته یا چنانکه کلیت همین ترجمه فارسی نشان می‌دهد به قصد و عمد چنین دیدگاهی در کتاب اعمال شده است. اما او همچنان به خطر بربریت با پیروزی مملوکان، در جنگ صلیبی معتقد است. ۲۸

ترجمه شیوا و گویای مترجم محترم کتاب دکتر ولی‌الله شادان که بیش از این نیز با ترجمه آثار تاریخی شناخته شده‌اند را باید هم خدمتی به دانش تاریخی ایرانیان در عرصه تاریخ عمومی دانست و هم تذکر این مطلب را می‌تواند در خود داشته باشد که ضرورت پرداخت به تحقیقات و تالیفات مستقل در زمینه تاریخ غرب را باید مجلدانه و مصرانه پی‌گیری کرد.



صلاح‌الدین ایوبی

آلبر شاندرور

ترجمه:
محمد قاضی

۱۳۶۹

* رنه گروسه (۱۹۵۲-۱۸۸۵م)
از مشاهیر مورخان فرانسوی در قرن بیستم به شمار می‌آید که حوزه اصلی مطالعات و تالیفات او، آسیا و به خصوص سواحل شرقی مدیترانه است

* در فصل سوم... هاله تقدس برای جنگ صلیبی محو می‌گردد. زیرا اقدامات و اعمال جنگجویان، آنچنان که گروسه گزارش کرده است بیشتر آشوب طلبی و ماجراجویی را نشان می‌دهد..

پی‌نوشت‌ها

- ۸- شاندرور، آلبر: صلاح‌الدین ایوبی، ترجمه محمد قاضی، انتشارات زرین، تهران، ۱۳۶۹.
- ۹- معلوف، امین: جنگ‌های صلیبی از دیدگاه شرقیان، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، نشر البرز، تهران، ۱۳۶۹.
- ۱۰- آنتونی وست، جنگ‌های صلیبی، ترجمه همایون، امیر کبیر، فرانکلین، تهران، ۱۳۵۰.
- ۱۱- محمد رشاد، جنگ‌های صلیبی، چاپخانه بانک بازرگانان ایران، تهران، بی‌تا.
- ۱۲- رنسیمان، استیون: تاریخ جنگ‌های صلیبی، ترجمه زهرا مهشاد محیط طباطبایی، با مقدمه محمد محیط طباطبایی، تهران، حسینیه ارشاد، ۱۳۵۷.
- ۱۳- گروسه، رنه: تاریخ جنگ‌های صلیبی، ترجمه دکتر ولی‌الله شادان، نشر فرزاد روز، تهران، ۱۳۷۷.
- ۱۴- گروسه، رنه: امپراتوری صحرانوردان، ترجمه غلامحسین میکده، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۸.
- ۱۵- رنه گروسه و ژرژ نیکر: چهره آسیا، ترجمه غلامعلی سیار، انتشارات فرزاد روز، تهران، ۱۳۷۵.
- ۱۶- اتیهام، فرانس: آسیا در کشمکش با اروپا (هون‌ها، ساسانیان)، ترجمه دکتر د. منشی زاده، انتشارات ابن سینا، تهران، ۱۳۴۲.
- ۱۷- گروسه، جنگ‌های صلیبی، پیشین، ص ۸-۱۱.
- ۱۸- همان، ص ۱۶-۱۳.
- ۱۹- همان، ص ۱۵-۱۳.
- ۲۰- همان، ص ۲۳.
- ۲۱- همان، ص ۲۹.
- ۲۲- همان، ص ۴۵.
- ۲۳- همان، ص ۱۰۹-۵۴.
- ۲۴- به عنوان نمونه، ن. ک. همان، ص ۹۱.
- ۲۵- همان، ص ۱۳۹ به بعد.
- ۲۶- ن. ک. همان، ص ۱۴۸-۱۴۷ و ۱۸۱ و ۲۸۷ به بعد و ۳۵۳ به بعد.
- ۲۷- همان، ص ۲۸۳ و ۲۸۵.
- ۲۸- ر. ک. فصل هفدهم (پایان و نتیجه) ص ۳۷۸-۳۹۰.

۱- در عصر جنگ‌های صلیبی در پی ناکامی اروپاییان، افسانه‌های موسوم به «افسانه شاه جهان» در اروپا شایع شد که براساس آن ادعا می‌شد در سرزمینی ناشناخته در مشرق زمین پادشاهی به نام جان (یوحنا) وجود دارد که با سپاهیان خود از سمت شرق به فلسطین حمله خواهد کرد و بدین ترتیب به کمک صلیبیون می‌تواند از آن پس در جستجوی این پادشاهی مسیحی سفرانی از سوی پاپ به نواحی مختلف آسیا اعزام شد که با شروع تهاجمات مغول با مسائل عمومی امپراتوری مغول از جمله قصد مغولان به تصرف شام و فلسطین پیوند یافت. برای تفصیل مطلب، ن. ک. دوراکه ویلتس، سفیران پاپ به دربار خاتان مغول، ترجمه مسعود رجب نیا، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۵۳ ه. ش.

۲- در مورد تاثیر نظریه حمله از دو سو به جهان اسلام در اکتشافات دریایی اروپاییان، ن. ک. بار تولد: خاورشناس در روسیه و اروپا، ترجمه حمزه سردادور، تهران، ابن سینا، ۱۳۵۱.

۳- از جمله.

Abel Remusat, MEMOIRES, SUR LES Relations Politiques Des Princes chretiens et particliere ment, Des Rois De France, Avec Les Empereurs Mongols Tom Premier, listoriens des croisades, publie par Les Soins, Del, Academic Des inscription set Relies Lettres, DOCUMENTS ARMENIENS, Paris, Imprimerie Imperiale.

- ۴- رانسیمان، استیون: تاریخ جنگ‌های صلیبی، ترجمه منوچهر کاشف، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ج ۳، تهران، ۱۳۵۸.
- ۵- ناصر طاهری، عبدالله: علل و آثار جنگ‌های صلیبی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۳.
- ۶- مایر، هانس ایرها: جنگ‌های صلیبی، برگردان و پی‌نوشت، عبدالعزیز شاهکار، انتشارات دانشگاه شیراز، شیراز، ۱۳۷۱.
- ۷- ویل دورانت: تاریخ تمدن: عصر ایمان، جلد چهارم بخش دوم، ترجمه ابوالقاسم سری، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۳.